



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



شگفتی در چیست؟

محمد صالحی آذری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شگفتی در چیست؟

نویسنده:

محمد صالحی آذری

ناشر چاپی:

محمد صالحی آذری

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	شگفتی در چیست؟
۷	مشخصات کتاب
۷	تقدیم به:
۷	پیام ما
۷	تشکر و تقدیر
۸	سخنان کوتاه
۸	مقدمه
۹	طول عمر و زیست شناسان
۱۰	نوامیس طبیعی
۱۰	واقعیات تاریخ «کهنسالان»
۱۱	طول عمر و خداشناسان
۱۱	اشاره
۱۲	طول عمر حضرت مهدی
۱۲	مقدمه
۱۳	باب کیست؟
۱۳	اعتراف باب به طول عمر
۱۳	شگفتی در چیست؟
۱۴	لوح جابر
۱۴	لوح جابر چیست؟
۱۴	تأیید لوح جابر
۱۴	تحریف میرزا حسینعلی بهاء
۱۵	مشت نمونه‌ی خروار است

۱۵	ارزیابی سخنان «باب»
۱۵	شیعه و باب
۱۵	شیخیه و باب
۱۵	باب و اسلام
۱۵	نگارش بیان
۱۵	مطهرات از نظر «باب»
۱۶	مژده به دانشمندان
۱۶	برنامه‌ی جهانی «باب»
۱۶	راه فرار
۱۷	بهاء الله و امضای بیان
۱۷	باب و بیان از نظر بهاءالله
۱۷	سخن آخر
۱۷	ای جوانان بهائی
۱۷	پاورقی
۲۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

شگفتی در چیست؟

مشخصات کتاب

سرشناسه : صالحی آذری، محمد، ۱۳۱۸ -
 عنوان و نام پدیدآور : شگفتی در چیست؟ / از محمد صالحی آذری.
 مشخصات نشر : [بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۴۹]. (مشهد: خراسان (چاپخانه)).
 مشخصات ظاهری : ۷۲ ص.؛ ۱۲×۵/۱۶ س.م.
 وضعیت فهرست نویسی : برون‌سپاری.
 یادداشت : کتاب حاضر به مناسبت نیمه شعبان منتشر شده است.
 یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.
 موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. — . طول عمر
 موضوع : طول عمر
 رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴ ص ۲۳۵ ش ۸ ۱۳۴۹
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۸۳۵۴

تقدیم به:

رادمردان آزاد اندیشان پژوهشگران آنان که جلوه گر حقایقند. آنان که دیدی وسیع دارند و خواهان سعادت دیگرانند. آنان که در راه روشنفکری انسانها از پا نمی‌نشینند، و آنان که طلسم بدعتها را با، بیان شیرین خود درهم می‌شکنند، تقدیم می‌شود [صفحه ۶]

پیام ما

ای انسان که خود را از همه چیز برتر می‌دانی و بر هر چیز برتری می‌جوئی، بیا و در پذیرش ایده‌ها، خویشتن را برتر از آن بدان که به پرستش بت‌های رنگارنگ پرداززی و تسلیم هر مکتب ناشناخته، شوی!! آری، تو برتری، برتر از آنچه می‌اندیشی!! حافظ برتری و امتیاز خویش باش که علی علیه‌السلام می‌فرماید: «ای انسان، بنده دگران مباش که خدا ترا آزاد آفریده است» اینک بیا و طلسم بت‌پرستی را درهم شکن و زنجیر اسارت بیگانگان را از پیکر عقل خویشتن گسیخته‌دار تا همای سعادت ابدی بر فراز کاخ هستی‌ات جلوه‌گری کند. به امید آن روز [صفحه ۷]

تشکر و تقدیر

جای بسی خوشبختی و امیدواری است که در جامعه‌ی بهائیت افرادی منصف به چشم می‌خورند که واقعا با شهامت و شجاعتند، به سخنان دوست و بیگانه با خونسردی کامل گوش فرا می‌دهند، به گفتگو می‌پردازند، مطالعه می‌کنند، باشناس و ناشناس رفت و آمد و نامه‌نگاری می‌نمایند تا سرانجام راه را از چاه باز می‌شناسند آن وقت است که از شادی و مسرت در پوست نمی‌گنجد حال دیگر اسیر شهوت و غضب، گرفتار هوی و هوس و در بند سخنان پوچ گذشته [صفحه ۸] نیستند، آنچه در آنان جلوه‌گری دارد حق و

حق پرستی و عبادت و بندگی و در نتیجه ارتقاء بدرجات عالی‌ی انسانی است آری: رسد آدمی به جایی که فرشته ره ندارد بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت! اگر محذور اخلاقی در میان نبود - برای اثبات این موضوع - چند نامه از نامه‌های شگفت آور بهائیان را که در اثر تحقیق، محرمانه بما نگاشته‌اند نقل می‌کردیم.... همین الان که سرگرم بررسی شهادت و آزاد فکری برخی از افراد روشنفکر بهائی هستم دو نامه پستی به من دادند که هر دو از آقایان بهائی است یکی از تهران و دیگری از مشهد، اولی اجازه خواسته بود با ما مکاتبه دوستانه داشته باشد و دومی که شخصیت برجسته‌ای است از دوستان دیرینه پستی ما بود که مرتبا با صندوق شماره [صفحه ۹] ۶۱ مشهد مکاتبه داشت، ایشان ضمن تشکر و سپاسگزاری فراوان از اینکه به نامه‌هایش جواب داده شده تبری نامه خود را از مرام باییت و بهائیت ارسال داشته و متقاضی بود که تا خبر ثانوی از پخش تبری نامه‌اش خودداری به عمل آید، البته اطاعت میشود. آری دیگر بانوان و آقایان روشنفکر بهائی حاضر نیستند به عباراتی نظیر «کور شو تا جمال مبینی و کر شو تا لحن و صورت ملیح را شنوی، جاهل شو تا از علم نصیب بری....» [۱] گوش فرادهند. شایان تقدیر است، که پا را فراتر می‌نهند و گوش و چشم و فهم و عقل را بیشتر به کار می‌اندازند تا حقایق جهان را درک نمایند - با اینکه زعمای بهائیت رسماً چنین عمل عاقلانه را تحریم کرده‌اند ولی گوش خردمندان دیگر به بدهکار اینگونه [صفحه ۱۰] دستورات نیست - لذا نامه‌های متعددی که بما رسیده کاملاً نمایان است که کثیری از بهائیان نشریه‌ی «خدای قرن اتم» و «آخرین پیشوا» را با دقت کامل مطالعه فرموده و پس از تحقیق و تطبیق ضمن پاسخ، تقاضای توضیح بیشتر داشته و باز هم جویای نشریه‌ی دیگری بوده‌اند که بصیرت افزایش و جهل و گمراهی بزداید. در پایان ضمن اعلام آمادگی خود برای پاسخگویی مزید توفیقات دوستان محقق بهائی را در راه تحری حقیقت آرزومندیم. نشریه‌ی حاضر، بحث فشرده‌ای است درباره‌ی طول عمر که از جهات گوناگون مورد بررسی قرار گرفته و امکان طول عمر را با شواهدی زنده و براهینی استوار، ثابت و روشن می‌سازد. امیدواریم مورد پسند همگان قرار گیرد. [صفحه ۱۱]

سخنان کوتاه

آنچه تعجب دارد، مردن است، نه ماندن [صفحه ۱۲] مرگ علت می‌خواهد، نه زنده ماندن!! هرگز از دوست خود پرسیده‌اید: چرا زنده‌ای؟ [صفحه ۱۳] اتم که سنگ اول و اصلی بنای ماده میباشد جاوید است و هرگز از بین نمی‌رود مشروط بر اینکه آن را از بین نبرند سلول هم که سنگ اول و اصلی بنای جانداران می‌باشد جاوید است و هرگز نمی‌میرد مشروط بر اینکه غذا داشته باشد و سرما و گرمای شدید سبب هلاکش نشود [۲]. یوری فیالکوف استاد پلی تکنیک کیف در شوروی [صفحه ۱۴] انسان باید زنده و جاوید باشد و هرگز نمیرد بدلیل این که سلول جاندار زنده‌ی جاوید است [۳]. یوری فیالکوف [صفحه ۱۵] من قبول دارم: «عوامل طبیعی پیری در شخص وجود دارد» ولی یقین دارم: «بسیاری از سلولهای بدن فناپذیر نیستند» و این صحیح نیست که بگویند: «این سلولهای جاویدان جمع شده و جسم مرده‌ای را به وجود آورده‌اند» [۴]. ژانروستاند بیولژیست معروف [صفحه ۱۷]

مقدمه

شناخت انسان ابتدا می‌پرسیم آیا من و شما و دانشمندان دنیا انسان را از همه‌ی جهات شناخته‌ایم یا اینکه دانشمندان جهان به جای کتاب انسان‌شناسی کتابهائی از قبیل «انسان موجود ناشناخته» [۵] به رشته تحریر در می‌آورند؟ نیوتن می‌گوید: «نمی‌دانم من در نظر جهان چگونه جلوه می‌کنم اما از نظر شخص خودم مانند پسر بچه‌ای هستم که در [صفحه ۱۸] کنار دریا به بازی مشغول است، من مانند همان پسر بچه گاه و بیگاه با پیدا کردن سنگ‌ریزه صافتر یا گوش ماهی زیباتری خود را مشغول می‌سازم در حالی که اقیانوس عظیم حقیقت در مقابل من قرار دارد و اسرار آن نامکشوف، باقیمانده است.» [۶]. اگر انسان از نظر انسان‌شناسی در مرحله‌ی کودکی و یا دوران ناتوانی و نادانی است چگونه می‌تواند بطور قطع ادعا کند که انسان نمی‌تواند عمر طولانی داشته باشد؟ اختلاف

فراوان از طرفی، وقتی در این جهان گوناگون دو نفر از نظر استعداد فکری آنقدر اختلاف دارند که یکی اینشتاین می‌شود و دیگری که همزمان اوست یک عمل جمع را نمی‌تواند انجام دهد چه می‌شود که در برابر این گونه اختلافات فراوان که بر سر تا سر زندگی بشر حکمفرماست معتقد شده بگوئیم ممکن است عمر یکی صد سال و دیگری هزاران سال باشد؟ [صفحه ۱۹] در عالم نباتات ذرات ژلا-تینی کلروفیل داری در دریاها وجود دارند، که عمرشان بر حسب ثانیه حساب می‌شود [۷] در برابر آنها درختانی است که «در کالیفرنیا موجود است بعضی از این درختان «۳۰۰» پا ارتفاع و «۱۱۰» پا محیط دور تنه دارند و عمر بعضی از آنها از «۵۰۰۰» سال تجاوز می‌کند... مقطع تنه یک درخت از نوع سیکو یا جایجنتی «*Sequeia gigantea*» در موزهی تاریخ طبیعی «کنسینگتون» جنوبی... «S: Kensington» وجود دارد که دارای «۱۳۳۵» حلقه یعنی همین قدر سال است! [۸]. کاج ۴۶۰۰ ساله در کالیفرنیا یک نوع کاجی است به نام پینوس آریستاتا «*Pinus aristata*» که سالخورده‌ترین موجود زنده‌ایست [صفحه ۲۰] که پس از ۴۶۰۰ سال هنوز هم حیات دارد [۹]. با توجه به نمونه‌های مزبور هر خردمند با انصافی در می‌یابد که باید از تنگنای فکر محدود خود بیرون آید و در جهانی که قدرت نامحدودی بر آن حکمفرماست پا گذارد و از تعیین حد و مرز قطعی برای عمر موجودات صرفنظر کند و امکان بیشتری برای طول عمر قائل شود. در عالم حیوانات «ماهی‌هائی هستند در اقیانوس اطلس (شمال اروپا) که عمر سه میلیون ساله برای آنها برآورد کرده‌اند، و همچنین مارهائی هستند که چند هزار سال عمر دارند...» [۱۰]. ماهی چهارصد میلیون ساله در سواحل ماداگاسکار کشف شد. [۱۱]. [صفحه ۲۱] وایزمن آلمانی ادعا کرد که: «تک یاختگان مرگ و میر ندارند و از راه تقسیم دو نیمه می‌شوند و هر نیمه باز تقسیم می‌شود و این جریان برای همیشه ادامه دارد» [۱۲]. یوری فیالکوف استاد پلی تکنیک «کیف» در شوروی می‌نویسد «در آزمایشگاههائی که سلولها را برای آزمایش نگاه می‌دارند هر چند یکمرتبه قسمتی زیاد از سلولهای جاندار را که تولید شده، دور می‌ریزند و گرنه بزودی تمامی آزمایشگاه پر از سلول می‌شود و جایی برای دیگران باقی نمی‌ماند» [۱۳]. و نیز می‌نویسد: «...چهل سال است که سلولهای جاندار در آزمایشگاهها به زندگی ادامه می‌دهند و چهل سال عمر آنها از روی تناسب به اندازه چند هزار سال عمر آدمی می‌باشد و اگر آزمایشگاههای ما هزار سال هم از سلول جاندار نگاهداری نمایند، آن سلول با تولید مثل به زندگی ادامه خواهد داد...» [۱۴]. [صفحه ۲۲] هاریسن پس از روشن شدن وضع زندگی تک یاختگان ادعای بزرگتری کرده بقای موجودات مرکب را مطرح نمود و برای اثبات آن سلولهای عصبی قورباغه را کشت داد؛ «الکسیس کارل» معروف کارش را دنبال کرد و ادعای بقای موجودات مرکب مطرح گردید. [۱۵]. اما دربارهی انسانها باید دید طول عمر بشر از نظر قوانین زیست‌شناسی و نوامیس طبیعی چگونه است؟ آیا برهانی علمی و قانونی آزمایشی وجود دارد که به اثبات محال بودن طول عمر منتهی شود؟ برای روشن شدن مطلب تحقیقات علم زیست‌شناسی و چگونگی قوانین طبیعت و واقعیات تاریخ را باید بررسی کرد: [صفحه ۲۴]

طول عمر و زیست شناسان

زیست‌شناسان می‌گویند: عمر بشر حد و اندازه‌ی ثابتی ندارد و در طبیعت همه گونه عمر بوده و ممکن است باشد وایزمن دانشمند آلمانی می‌گوید: «مرگ لازمه‌ی قوانین طبیعی نیست، و در عالم طبیعت از عمر ابد گرفته تا عمر یک لحظه‌ای، همه نوعش هست، آنچه طبیعی و فطری است، عمر جاودانی است بنابراین افسانه‌ی عمر ۹۶۹ ساله‌ی متوشلخ *Methuselah* نه مردود عقل است و نه مردود علم، در همین دوره‌ی خود ما میزان طول عمر بالا-رفته و دلیلی ندارد که از این هم بالاتر نرود و یک روز نیاید که بشر به عمر نهصد ساله برسد.» [۱۶]. پروفیسور هانری اسمیت استاد دانشگاه کلمبیا درباره‌ی طول عمر می‌گوید: «حدود حصر سن و عمر مانند دیوار صوتی است، همچنانکه دیوار صوتی امروز شکسته، دیوار عمر نیز روزی خواهد شکست» [۱۷]. [صفحه ۲۵] دکتر هاووزر آمریکائی می‌نویسد: «علم پزشکی مبحث بزرگی درباره‌ی جذب اغذیه دارد که به کمک آن هر کس می‌تواند به

سرچشمه‌ی جوانی و طول عمر دست یابد...» [۱۸]. مجله‌ی الهلال از قلم یک دکتر انگلیسی می‌نویسد: «برخی از دانشمندان توانسته‌اند عمر حشره‌ی میوجات را به نهمصد برابر افزایش دهند» [۱۹]. روی این قیاس اگر عمر طبیعی را ۸۰ سال در نظر بگیریم امکان افزایش عمر آدمی به ۷۲۰۰۰ سال می‌رسد. اطلاعات بانوان از دانشمندی نقل می‌کند که: در مقام مقایسه‌ی عمر انسان با سایر موجودات مطالعاتی فراوان کرده ثابت نمود که بدن آدمی برای آن ساخته شده که بیش از هزار سال عمر کند. [۲۰]. [صفحه ۲۶] پیری را می‌توان به تاخیر انداخت؟ سؤالی است که از پروفیسور «بشس» فرانسوی می‌کنند و او در کتاب خود به نام «امید بیک زندگی طولانی» جواب مثبت داده است [۲۱]. عمر متوسط حد متوسط عمر در قرن اخیر نسبت به سابق تغییر قابل توجهی یافته است مثلاً: در انگلستان در سال (۱۸۳۸ - ۱۸۵۴) حد متوسط عمر در مردها (۹۱ / ۳۹) و در زنها (۸۵ / ۴۱) سال بوده است در حالی که: در سال ۱۹۳۷ عمر متوسط مردها حدود ۶۰ سال و زنها حدود ۶۴ سال بوده است. در امریکا در سال ۱۹۰۱ عمر متوسط مردها حدود ۴۸ سال و در زنها حدود ۵۱ سال بوده است در حالی که: در سال ۱۹۴۴ عمر متوسط مردها به ۶۳ / ۵ سال و برای زنها به ۶۹ سال افزایش یافته است [۲۲]. [صفحه ۲۷] در اتازونی در سال ۱۹۰۰ عمر متوسط مردم ۴۹ سال بوده و اینک از ۷۰ متجاوز است [۲۳]. روز افزون بودن عمر متوسط آدمی که در نتیجه کوشش دانشمندان زیست‌شناسی و علوم طبیعی با موفقیت انجام پذیر است، خود دلیلی قاطع بر امکان طول عمر انسان است که «اگر عواملی از قبیل: سیل داروهای مسموم‌کننده، سموم حاصله از غذاهای تقلبی، آلودگی هوای شهرها، تغییر ماهیت مواد خوراکی در اثر استفاده از کودهای شیمیائی، بدتر از همه زندگی در محیط بی‌بند و باری و آلوده به فساد اخلاق، عوامل کوبنده اعصاب و امثال آن در میان نبود عمر متوسط انسان هم مافوق حد تصور می‌بود» [۲۴]. بنابراین توجه به اصول بهداشتی موجب طول عمر می‌شود و هر که بهتر رعایت کند بیشتر خواهد زیست [صفحه ۲۹]

نوامیس طبیعی

در جهان هستی امور بر دو نوع است: محال: امکان‌ناپذیر، ممکن: امکان‌پذیر، محال به امری گویند که به هیچ وجه واقع نشود و پدید نیاید مانند بودن و نبودن فردی در یک محل، در یک لحظه‌ی معین، و یا اینکه کسی مدعی شود که ممکن است در زمان و مکان واحد هم نور باشد، هم تاریکی امور ممکن نیز بر دو نوع است: انواع ممکن ممکن عادی و ممکن غیرعادی. ممکن عادی: اکثر کارهای مردم از نوع ممکن عادی است که به نام (امر عادی یا طبیعی) نامیده میشود. ممکن غیر عادی: برخی از کارها و حوادث روزگار غیرعادی و یا به عبارت دیگر غیر طبیعی (خارق عادت) است از قبیل: تولد دو برادر چسبیده بهم و زندگی ۶۴ ساله آنان! [۲۵] باردار شدن دختر ۶ ساله و تولد پسری از او!! [۲۶]. [صفحه ۳۰] امکان باردار شدن زنی بدون شوهر طبق اعلامیه‌ی مجمع علمای پزشکی انگلستان!! [۲۷]. کشف دو معده‌ی مجزا در شکم یک مرد!! [۲۸]. چهار هزار دانه گندم از یک بوته!! [۲۹]. تأثیر فوری نیایش در شفای امراض چون سل استخوانی و سرطان و غیره [۳۰]. حقایق مزبور اثبات می‌کند که برخی از امور و حوادث، ممکن غیرعادی است. و می‌توان گفت که: طول عمر برای هر کس امری ممکن ولی غیرعادی (خارق عادت) است. و طول عمر حضرت حجت علیه‌السلام در شمار امور ممکن غیر عادی است و هیچگونه اشکالی را هم به بار نمی‌آورد و جای شگفتی هم نیست! [صفحه ۳۲]

واقعیات تاریخ «کهنسالان»

بحث طول عمر با قطع نظر از تجویز علمی دانشمندان در گوشه و کنار جهان هم جلوه‌گری کرده در سراسر تاریخ دارای شواهد بی‌شمار است. در حال حاضر شرح حال و عکس افرادی را در روزنامه‌ها و مجلات داخلی و خارجی می‌بینیم که عمری بسیار طولانی داشته‌اند از جمله: مرد ۱۲۵ ساله روزنامه کیهان می‌نویسد: «کربلانی علیشاه پیرمرد ۱۲۵ ساله با ۳۵ نوه و نبیره عشق زنی را

به دل گرفته و سخت [صفحه ۳۳] عاشق شده وی در قریه‌ی توران را میان از توابع گرگان زندگی می‌کند و به شغل زراعت اشتغال دارد مانند جوانان کار می‌کند و همیشه سالم و شاداب است...» [۳۱]. مرد ۱۳۱ ساله اطلاعات می‌نویسد: «آقای عباس طاهری که نسل‌ترین مرد لنجان آغاز صد و سی و یکمین سال تولد خود را جشن گرفت و به این مناسبت جشن مفصلی برپا کرد که همه‌ی نمایندگان اهالی دهات و مناطق مختلف لنجان اصفهان در آن شرکت داشتند وی راز طول عمر خود را پیاده روی زیاد می‌داند و تصمیم دارد تا ۲۰۰ سال زندگی کند» [۳۲]. مرد ۱۳۵ ساله روزنامه کیهان می‌نویسد: «پیرحسین علوی پیرمرد ۱۳۵ ساله روزی ۱۴ ساعت در مزرعه کار می‌کند و می‌گوید: «هر چه آرزوها کمتر باشد سلامت و آرامش بیشتر است و [صفحه ۳۴] من از آنها هستم که افسوس دیگران را نخورده‌ام و نمی‌خورم ۱۳۵ سال از عمرم می‌گذرد و مانند دوران جوانی کله‌ی سحر از خواب بیدار می‌شوم و برای کار به مزرعه می‌روم و آفتاب که غروب می‌کند بر می‌گردم، بیشتر دندانهایم سالم است و خوب غذا می‌خورم... غم و غصه را به خود راه نمی‌دهم زنده بودن و تلاش کردن، برای من سرچشمه‌ی شادیهاست» [۳۳]. مرد ۱۶۷ ساله «خبر گزارها اطلاع دادند که سالخورده‌ترین مرد جهان در حالی که حال او مثل همیشه خوب است ۱۶۷ سالگی خود را جشن گرفت. شیرعلی اوف در دهکده‌ای در کوههای قفقاز نزدیکی مرز ایران زندگی می‌کند، او در زندگی لب به مشروب نزده و سیگار هم نکشیده است و هرگز عملاً مریض نشده و اکنون هم احساس پیری و خستگی نمی‌کند و در دید و شنوائی او اشکالی پیدا نشده و او همچنین در هوای آزاد دهکده به کار مشغول است.» [۳۴]. [صفحه ۳۵] زن ۱۶۸ ساله روزنامه‌ی کیهان می‌نویسد: «پیرترین زن جهان ۱۶۸ سال دارد پیرترین زن جهان «هاتین‌نین» است وی در سال ۱۷۹۵ در یکی از شهرهای کوچک ترکیه واقع در مرز شوروی متولد شد و اکنون ۱۶۸ سال از عمرش می‌گذرد. «هاتین‌نین» هنوز نیز در شهر کوچک خود زندگی می‌کند و کاملاً چابک و سلامت است. وی معاصر «ویکتور هوگو» و «بالزاک» نویسندگان معروف قرن نوزدهم و «پوچینی» و «بتھون» آهنگ‌سازان شهیر جهان بود...» [۳۵]. رادیو مسکو افراد کثیری را معرفی کرد که طول عمر داشته‌اند برای نمونه نام پنج نفر از آنان را ذکر می‌کنیم: «هنری جانکیتز» انگلیسی ۱۶۹ ساله که تا سال ۱۹۵۶ زنده بود [صفحه ۳۶] «لوئیزا تروسکو» زنی که در سال ۱۷۷۶ میلادی ۱۷۵ سال داشت. «تپس آبزپ» اهل روسیه که در سال ۱۹۵۵ میلادی ۱۸۰ ساله بود. سیدعلی کوتاهی «ایرانی» در مارس ۱۹۵۹ میلادی ۱۸۵ سال از عمر او می‌گذشت. سپس زن گمنامی را نام می‌برد که در دسامبر ۱۹۵۷ میلادی ۱۹۰ ساله بوده است [۳۶]. آری در دنیا معمرین [۳۷] فراوانی وجود داشته‌اند تا جایی که کتابی به نام المعمرین به رشته‌ی نگارش در آمده است [۳۸]. فلاسفه گویند: بهترین دلیل بر امکان چیزی پیدایش آن است. [صفحه ۳۷] با دیدن مردم پر عمر و خواندن شرح حال آنان این نتیجه بدست می‌آید که طول عمر امری است غیر قابل انکار به ویژه که هیچیک از دانشمندان درباره‌ی امتناع طول عمر و یا محال بودن آن سخن نگفته‌اند بلکه اکثراً امکان آن را اثبات کرده‌اند. ناگفته نماند که این نوع اشکالات از طرف آنانی عنوان می‌شود که همه‌چیز جهان را با میزان نفس خویش می‌سنجند، و این هم از محدودیت فکری که ناشی از عدم تحقیق کامل است سرچشمه می‌گیرد. حال چنین افرادی چگونه می‌توانند در این گونه مسائل مهم نظر درست داشته باشند؟ داوری با دانایان دادگر! [صفحه ۳۹]

طول عمر و خداشناسان

اشاره

گرچه با اعتقاد به قدرت لایزال پروردگار، اشکال و ایرادی در طول عمر برگزیده‌ی الهی نمی‌تواند باشد ولی باز هم دلائل خداشناسان بر اثبات طول عمر فراوان است. در طول تاریخ ادیان الهی نمونه‌های بارزی از افراد کثیر السن به چشم می‌خورد که زمینه را برای پذیرش عمر هزار ساله و بیشتر ساده و هموار می‌سازد بطوری که جای هیچگونه تردید و ابهامی باقی نمی‌گذارد و می‌توان

گفت که [صفحه ۴۰] خدا چنین نمونه‌های بارزی را نمایانده تا اگر روزی اراده‌اش تعلق گرفت یک نفر را چندین قرن متوالی و متمادی زنده نگهدارد جای هیچگونه استبعاد و شکی نباشد. از آن قبیل است: داستان عزیر عزیر از رهبران طایفه بنی اسرائیل بود روزی وارد باغ شد، درختان را سبز و خرم دید که از بسیاری میوه شاخه‌هایش به سوی زمین خم شده بلبلان بر روی شاخه‌ها نغمه‌سرائی می‌کردند. قدری میوه چید و از باغ بیرون آمد، در راه درباره‌ی نشانه‌های قدرت خدا می‌اندیشید، سر راه به ویرانه‌ای رسید که آثار مرگ از هر جانب آن پدیدار بود، سقفها خراب شده، خانه‌ها واژگون گشته و اجساد مردگان در هر گوشه به چشم می‌خورد، به کنار دیواری تکیه داد و به فکر فرو رفت اینک دنباله داستان را از زبان قرآن بشنوید: قرآن می‌فرماید: «عزیر گفت: به حیرتم که خدا چگونه باز این مردگان را زنده خواهد کرد؟ [صفحه ۴۱] خداوند او را صد سال میرانید سپس زنده‌اش برانگیخت و بدو فرمود که: «چه مدت درنگ نمودی؟» جواب داد: یک روز یا پاره‌ای از یک روز!! خداوند فرمود: نه، چنین نیست بلکه صد سال است که به خواب مرگ فرو رفته بودی و در طعام و نوشیدنی خودنگر [۳۹] که هنوز تغییر نیافته است و الاغ خود را ببین (که چگونه اعضایش از هم گسسته است) و ترا برای خلق حجت قرار می‌دهیم که امر رستاخیز ما را انکار نکنند در استخوانهای آن بنگر که چگونه در همش پیوسته و گوشت بر آن پوشانیم. چون این کار بر او روشن گردید، گفت: همانا اکنون به حقیقت و یقین می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست» [۴۰]. [صفحه ۴۲] اصحاب کهف قرآن درباره‌ی اصحاب کهف می‌فرماید: «اصحاب کهف سیصد و نه سال در غار درنگ کردند...» «و لبثوا فی کهفهم ثلاث مائة سنین وازدادوا تسعا» [۴۱]. نوح قرآن دوران دعوت نوح را نهصد و پنجاه سال معین می‌فرماید: [۴۲]. «و لقد ارسلنا نوحا الی قومه فلث فیهم الف سنه الا خمسين عاما» [۴۳]. مسلم است چنانچه دوران پیش از بعثت و پس از طوفان بدان افزوده شود عمر نوح بیش از هزار سال خواهد شد. [صفحه ۴۳] یونس هنگامی که ماهی را فرود برد او به تسبیح و تنزیه پروردگار پرداخت و در اثر همین عمل شایسته‌اش از زندان شکم ماهی رهائی یافت. قرآن می‌فرماید: «اگر او به ستایش و تسبیح خدا نمی‌پرداخت تا قیامت در شکم ماهی زیست می‌کرد» «فلو لانه کان من المسبحین للث فی بطنه الی یوم یبعثون.» [۴۴]. حضرت عیسی قرآن درباره حضرت عیسی می‌فرماید: «نه او را کشتند و نه به دار زدند بلکه امر بر آنها مشتبه شد [۴۵]. «و ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبه لهم» [۴۶]. [صفحه ۴۴] طبق روایات معتبر اسلامی حضرت عیسی هنگام قیام حضرت حجه بن الحسن علیه‌السلام نزول می‌کند و از یاران آن حضرت محسوب خواهد شد. آیا طول عمر حضرت عیسی بیشتر است یا حضرت حجه علیه‌السلام؟ تمام اینها نمونه‌های روشنی است بر امکان طول عمر شخصیتی که خداوند عمر او را طولانی کرده است چه تمام قوانین و نوامیس طبیعی محکوم خداست و او بر هر چیزی دانا و تواناست و مائیم که محکوم نوامیس طبیعت می‌باشیم، و جای بسی تعجب است که با این عجز و ناتوانی و عمر محدود و کوتاه خود می‌خواهیم تمام امور را با دید سطحی خود بنگریم و با فکر محدود خویش داوری کنیم ولی اگر از تنگنای خودبینی بیرون آئیم اعتراف خواهیم کرد که: پشه کی داند که این باغ از کی است؟ در بهاران زاد و مرگش در دی است [صفحه ۴۶]

طول عمر حضرت مهدی

مقدمه

بهائیان با اینکه ایمان و اعتقاد به اصل «قائمیت اسلام» دارند ولی به منظور حفظ موقعیت رهبرشان بر واقعیت طول عمر که با دلائل کافی و روشن از نظر خوانندگان گذشت خط بطلان کشیده و به اشکال تراشی پرداخته، به بهانه‌ی عدم امکان طول عمر می‌کوشند که شخصی به نام میرزا علی محمد فرزند میرزا رضای بزاز شیرازی را به جای قائم موعود اسلام حضرت حجه بن الحسن (ع) معرفی کنند!

باب چیست؟

میرزا علیمحمد در سال ۱۲۳۵ هجری در شیراز متولد شد وی پس از مختصر تحصیل [۴۷] در مکتبخانه‌ی شخصی به نام شیخ محمد عابد که از فرقه‌ی شیخیه بود [۴۸] به بوشهر رفت و در برابر آفتاب سوزان بوشهر به ریاضت‌های شاق [صفحه ۴۷] پرداخت [۴۹] دائیش حاج سید علی وضع او را خطرناک دید لذا وی را به کربلا فرستاد، وی به محض ورود، به درس سید کاظم رشتی که رهبر دوم فرقه‌ی شیخیه بود حاضر شد [۵۰]. و با کمال جدیت هر چه استادش می‌فرمود یادداشت می‌کرد. در سال ۱۲۵۹ سید کاظم رشتی در گذشت برخی از قبیل میرزا کریمخان کرمانی و میرزا شفیع تبریزی و زرین تاج قزوینی و میرزا علیمحمد شیرازی نغمه‌ی رهبری فرقه را ساز کردند و هر یک می‌کوشیدند که گروهی به دور خود گرد آرند در اینجا بود که میرزا علیمحمد خود را «باب» و نایب امام دوازدهم شیعیان حضرت حجت (ع) [۵۱] معرفی کرده پس از چند سال مدعی قائمیت [۵۲]. [صفحه ۴۸] و سپس شاعریت [۵۳] و سرانجام الوهیت و خدائی شد [۵۴]. و پس از روبرو شدن با علمای اسلام کارش به رسوائی و افتضاح کشید تا آنجا که نوشت: «... این بنده را مختصر علمی نبوده و نیست که منوط به ادعائی باشد استغفرالله من ان ینسب الی امر...» [۵۵].

اعتراف باب به طول عمر

میرزا علیمحمد «باب» در اکثر آثارش اعترافات بسیار جالبی بر وجود، حیات، غیبت و به ویژه طول عمر امام دوازدهم شیعیان حضرت حجت علیه‌السلام دارد که بر خواننده اتمام حجت می‌کند و جای هیچگونه شک و ابهامی باقی نمی‌گذارد. لطفا توجه فرمائید: [صفحه ۴۹] حضرت محمد بن الحسن زنده است «باب» در کتاب تفسیر سوره‌ی بقره‌ی خود می‌نویسد: «ان الله سلام الله علیهم فی رتبه جسمهم الظاهره اقوی جسمهم من افئده الجنان لو لا یقتلهم احد لا یموتون لان اجسادهم کانت معتدله و لا یجری التغیر لهم کما یکون ذلک الحجه محمد بن الحسن حیا...» [۵۶]. ترجمه: «به راستی اهل بیت عصمت - درود خدا بر آنان باد - در مقام ظاهر، جسمشان از دل‌های بهشتیان قویتر است چنانچه کسی ایشان را نمی‌کشت نمی‌مردند چه، بدن آن بزرگواران دارای اعتدال است و دگرگونی در آنان راه ندارد همچنانکه حجت خدا حضرت محمد بن الحسن (ع) زنده است.» [صفحه ۵۰] حضرت محمد بن الحسن صاحب‌الزمان است میرزا علیمحمد «باب» در کتاب صحیفه‌ی عدلیه‌اش می‌نویسد: «رایع معرفت امامت است و در این مقام و در این مقام بر کل موجودات فرض است معرفت دوازده نفس مقدس که قائم مقام ولایت مطلقه بوده باشند و اسماء مقدسه‌ی ایشان که مرا یای بیان است اینست: الحسن بن علی و الحسین بن علی و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن ابن علی و الحجه القائم محمد بن الحسن صاحب‌الزمان و الفاطمه الصدیقه صلوات الله علیهم اجمعین و این شمس عظم و نجوم عزت در هر شأن قائم مقام رسول‌الله صلی الله علیه و آله بوده‌اند.... چگونه قلم به ذکر وصف ایشان [صفحه ۵۱] متحرک گردد؟...» [۵۷].

شگفتی در چیست؟

«باب» آثار مزبور را در سال (۱۲۶۰ ه. ق.) تألیف کرده است. و از طرفی می‌دانیم که حضرت حجت علیه‌السلام در سال (۲۲۵ ه. ق.) قدم به عرصه‌ی گیتی نهاده‌اند. لذا با یک نتیجه‌گیری منطقی و ساده به این حقیقت غیر قابل انکار می‌رسیم که در سال (۱۲۶۰ ه. ق.) از عمر شریف حضرت حجه بن الحسن علیه‌السلام یکهزار و پنج سال می‌گذشته است. این است عقیده «باب» درباره طول عمر حضرت حجت (ع) بنابراین باید پرسید: تعجب و شگفتی در چیست؟ ولی شگفتی ما در این است که پیروان «باب» حکم کاسه از آش داغتر را به خود گرفته نه تنها توجه به نظر دانشمندان علم زیست‌شناسی و قوانین طبیعت و واقعیات تاریخی [صفحه ۵۲]

ندارند بلکه به اعتقادات و اعترافات رهبر خودشان هم اعتنا ندارند و می‌گویند: «چگونه ممکن است یک نفر هزار سال عمر کند؟» و می‌توان گفت که: در این مورد و برخی موارد دیگر رهبر خود را هم قبول ندارند و پذیرای سخن او نیستند و واقعا همه جای شگفتی است!!

لوح جابر

تنها «باب» نیست که اعترافات روشن و آشکارا بر قانمیت حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه‌السلام دارد بلکه رهبران بهائیت هم بر این حقیقت معترفند مهمترین روایتی که پیشتازان فرقه‌ی بایه و بهائیه آنرا تأیید کرده‌اند حدیث لوح جابر است که به نام لوح حضرت فاطمه علیهاسلام هم معروف و مشهور است.

لوح جابر چیست؟

لوحی که بعدها به لوح با حدیث جابر شهرت یافت لوحی است که خداوند با اهداء آن به آخرین سفیر خویش اوصیاء و جانشینان آن بزرگوار را به همگان معرفی و اعلام کرده است. [صفحه ۵۳] حضرت زهرا (ع) می‌فرماید: پدر گرانمایه‌ام آن لوح را به من عنایت فرمودند تا بدان وسیله بشارت داده و مرا به داشتن چنین فرزندان شاد کرده باشند. سپس می‌فرماید: در آن لوح نام پدرم و همسر و نور دیدگانم و جانشینان فرزندم حسین (ع) نقش بسته بود.... جابر بن عبدالله انصاری نخستین کسی است که لوح را دیده و با کسب اجازه نسخه‌برداری کرده است. لذا در کتابهای روایتی - نظیر کتاب اصول کافی [۵۸] و بحارالانوار و امثال آن، لوح جابر - جلوه‌گری خاصی دارد و به نام حدیث یا لوح جابر مشهور شده است. در این لوح نام ائمه‌ی اطهار (ع) یکی پس از دیگری با مشخصات قابل توجهی آمده است تا اینکه می‌رسد به نام شریف امام دوازدهم علیه‌السلام که می‌فرماید: [صفحه ۵۴] «... و اکمل ذلک بانه (م ح م د) رحمه للعالمین علیه کمال موسی و بهاء عینی و صبر ایوب...» [۵۹]. ترجمه: «و این سلسله‌ی امامت را به پسر او (م ح م د) کامل گردانم که بر جهانیان رحمت است، او دارای کمال موسی و روشنی عیسی و صبر ایوب است...»

تأیید لوح جابر

همانطور که ذکر شد «باب» در کتاب دلائل سبعة [۶۰] خود حدیث لوح جابر را نقل کرده است علاوه بر او میرزا حسینعلی بهاءالله در کتاب ایقان [۶۱] و شوقی افندی در کتاب قرن بدیع [۶۲] حدیث لوح جابر را نقل نموده و مورد تأیید و تصویب قرار داده‌اند. [صفحه ۵۵]

تحریف میرزا حسینعلی بهاء

آقای میرزا حسینعلی بهاءالله نوری مازندرانی پس از آنکه لوح جابر را تأیید می‌فرماید با تحریفاتی ناروا به نقل آن می‌پردازد از آن جمله اینکه: صدرلوح - که شامل نام مبارک پیامبر عظیم الشان اسلام و یکایک ائمه‌ی طاهرین به ویژه معرفی و ذکر مشخصات حضرت محمد بن الحسن العسکری قائم موعود اسلام است - به دست مبارک!! آقای میرزا حسینعلی تقطیع [۶۳] می‌شود و از ذکر آن خودداری می‌فرماید یعنی از تمام لوح فقط به چند جمله‌ی آخر آن اکتفا می‌نمایند تا بتوانند در سایه‌ی حق، باطل خود را دنبال کنند و بجای حضرت محمد بن الحسن العسکری علیه‌السلام که لوح بنام و نشان آن بزرگوار صراحت کامل دارد آقای میرزا علیمحمد باب پسر میرزا رضای شیرازی را معرفی نمایند!! نکته‌ی بسیار جالب آنکه: آقای میرزا حسینعلی همین روایت و نظائر آن را که بدست و قلم خود تحریفش کرده‌اند مهمترین و محکمترین دلیل!! بر قانمیت «باب» [صفحه ۵۶] بشمار آورده و از ایمان

نیاوردن مسلمانان اظهار تعجب و حیرت نموده میفرمایند: «... باری تحیر است از این عباد که چگونه با این اشارات واضحی لائحه از حق احتراز نموده‌اند؟!» [۶۴].

مشت نمونه‌ی خروار است

حال که خوانندگان محترم با سبک استدلالات آقای میرزا حسینعلی بهاءالله آشنا شدند میتوان گفت که: اکثر بلکه تمام دلائل رهبران بهائیت یا تقطیع است یا تحریف است و یا جعل!!! افسوس که سخن به درازا می‌کشد و بنای ما در این گفتار بر اختصار است و گرنه با آوردن نمونه‌های دیگری از امانت و صداقت این مدعیان!! مطلب جالبتر می‌شد!! ولی به حکم: در خانه اگر کس است یک حرف بس است سخن را کوتاه کرده و به مشت که نمونه‌ی خروار است قناعت می‌کنیم. [صفحه ۵۸]

ارزیابی سخنان «باب»

شیعه و باب

مردم مسلمان زیر بار دعوت «باب» به عنوان باییت و نیابت خاصه نرفتند زیرا معتقد بودند - همچنانکه باب هم در ابتدا عقیده داشت - امام دوازدهم منحصرآ چهار نایب خاص داشته [۶۵] که چهارمین آن در سال ۳۲۹ هجری دار فانی را وداع کرده است بدینجهت بود که شیعه دعوت را نپذیرفت

شیخیه و باب

ممکن است شما پرسید اگر شیعه به «باب» ایمان نیاورده پس چه کسی باو گرویده است؟ پاسخ شما را میرزا حسینعلی بهاءالله می‌دهد: «حزب شیخ احسائی [۶۶] به اعانت الهی عارف شدند [صفحه ۵۹] به آنچه دون آن حزب از آن محروم و محبوب مشاهده گشتند» [۶۷]. بنابراین اکثر افرادی که به «باب» گرویده‌اند پیروان شیخ احمد احسائی بوده‌اند آنهم تحت عنوان نیابت خاصه حضرت حجت بن الحسن العسکری علیهماالسلام!!!

باب و اسلام

باب در برابر اشکالات توده‌ی مسلمانان از اقامه‌ی برهان شکست می‌خورد و برای گرفتن انتقام چاره‌ای جز نسخ اسلام [۶۸] نمی‌اندیشد در آنجا که میرزا حسینعلی بهاءالله از قول باب نقل می‌کند: «و در مقامی می‌فرمایند: اگر اعتراض و اعراض اهل فرقان نبود هر آینه شریعت فرقان در این ظهور نسخ نمی‌شد...» [۶۹]. [صفحه ۶۰]

نگارش بیان

«باب» پس از نسخ اسلام به فکر می‌افتد کتابی بنویسد که شامل دستورات و احکام جدید و تازه!! باشد ولی این عمل توأم با عصبانیت ناشی از اعتراض مسلمانان جامعه‌ی عمل به خود می‌پوشد لذا دستوراتی عجیب و شگفت و دهن کجی هائی!! بسیار تازه و نو در کتاب بیان فارسی و عربی برشته‌ی تحریر در می‌آید که واقعا هر خواننده منصف را سخت دچار تحریر و تعجب می‌سازد فکر می‌کنم مشتاق آشنائی با احکام «باب» شده باشید، بله؟

مطهرات از نظر «باب»

«باب» احکام نجاسات و طهارات را در چند جمله شیوا!! خلاصه می‌فرماید: «مظاهری که مطهر است... نفس کتاب‌الله هست همین قدر که تلقاء آیه‌ای از آن واقع شد شیئی که عینیت در او نباشد ظاهر می‌گردد.» [۷۰]. [صفحه ۶۱] یعنی: کتاب بیان پاک کننده است همین قدر یک آیه از آن را بر چیز نجسی که عین نجاست نداشته باشد بنمایاند فوری پاک میشود و نیازی به آب و شستشو ندارد!! و باز می‌فرماید «ثالث» اسم الله هست که شصت و شش مرتبه، که الله اطهر بر شیئی خوانده شود طاهر می‌گردد.»!! [۷۱]. بنابراین اصلا در زندگی آب لازم نیست مگر برای نوشیدن زیرا تمام نجاسات و کثافات با گفتن ۶۶ بار الله اطهر طاهر می‌گردد!!

مژده به دانشمندان

«باب» چون از اهل دانش مسلمانان سخت ناراحتی و عصبانی بوده لذا دستور می‌دهد: «فی حکم محو کل الکتب کلها الا ما انشئت او تنشئی فی ذلک الامر...» [۷۲]. [صفحه ۶۲] ترجمه: «در حکم نابود کردن تمام کتابها به تمامی!! مگر آنچه نوشته شده یا نوشته می‌شود درباره‌ی این امر» که مراد او بابت است و نیز در این زمینه سفارش مهمتری نموده می‌فرمایند: «لا یجوز التدریس فی کتب غیر البیان» [۷۳]. ترجمه: «جز کتاب بیان کتابهای دیگر را نباید تدریس کنند.» با این حکم‌ها باید نویدی به دانشگاههای جهان داد و گفت: مژده باد، مژده باد!!! طبق این احکام باید تمام کتابهای شما را محو و نابود کرد!! و شما از زحمت مطالعه و تدریس علوم خلاص خواهید شد!! و...

برنامه‌ی جهانی «باب»

فقط در دانشکده‌ها می‌خوانند: ۱- همه چیز پاک و حلال است حتی... [۷۴]. ۲- اگر مردی نتوانست خانمش را باردار کند حلال است با [صفحه ۶۳] اجازه‌ی شوهرش با مرد دیگری که هم مسلک آنها است همبستر شود و از او بار بگیرد!! [۷۵]. ۳- شیر خر نخورید و سوار گاو نشوید!! [۷۶]. ۴- باید تمام ثروت افرادی که به کتاب بیان ایمان نمی‌آورند بگیرید!! [۷۷] و تمام آنها را از بین ببرید و احدی را زنده نگذارید!! [۷۸]. ۵- هنگامی که استاد قصد دارد شاگردش را تنبیه کند بایستی بسیار بسیار آرام مجازاتش کند و اگر معلمی بیش از پنج ضربه خوب بزند نوزده روز خانمشس بر او حرام می‌شود!! [۷۹]. و چنانچه این استاد ازدواج نکرده باشد باید نوزده مثقال طلا به عنوان جریمه بپردازد [۸۰]. ۶- هیچکس حق ندارد بیش از نوزده جلد کتاب [صفحه ۶۴] داشته باشد چنانچه کسی تمرد کند باید نوزده مثقال طلا جریمه بدهد!! [۸۱]. صدها حکم دیگر نظیر احکام مزبور در دو کتاب بیان عربی و فارسی به چشم می‌خورد که از نظر اختصار به چند نمونه‌ی مزبور اکتفا می‌کنیم.

راه فرار

بهایان در جواب دستورات مشعشع!! مزبور می‌گویند: «ما بهائی هستیم و کتاب بیان عربی و فارسی مربوط به «باب» و بایان است» اینان می‌اندیشند که با ذکر چنین عبارت می‌توانند از این ناراحتی که دامنگیرشان شده فرار کنند!! ما از ایشان می‌پرسیم، اگر «باب» آئینی کاملتر از آئین اسلام در اختیار بشر گذارده چرا هنگامی که احکامش نقل می‌گردد ناراحت گشته و در پی گریز گناه دست بدامن بهانه‌های گوناگون میشوند؟ آیا با این وصف چگونه میتوان احکام «باب» را [صفحه ۶۵] - که مشتی از خروارش نمایانده شد - دستورات الهی و شریعت آسمانی شمرد؟ آخر مگر نه آنست که شریعت و آئین جدید بایستی از دین قدیم آراسته‌تر و یا لااقل برابر آن باشد؟ پس چرا کتاب بیان عربی و فارسی حاوی دستوراتی است که دائما بهائیان از شنیدن آن رنج می‌برند و همواره می‌کوشند که از این گرداب بلا رهائی یابند؟

بهاء الله و امضای بیان

ولی غافل از آنند که رهبرشان آقای میرزا حسینعلی نوری مازندرانی ملقب به (بهاءالله) یکی از میدان سرسخت آقای «باب» بوده بارها، مکررا مرقوم فرموده‌اند که آثار باب «مخصوصا بیان فارسی در این ظهور امضاء شده است!!» [۸۲]. [صفحه ۶۶]

باب و بیان از نظر بهاءالله

و نیز بهاءالله در لوح احمد، میرزا علیمحمد باب و کتاب بیان او را مورد تأیید قرار داده می‌فرماید: «قل یا قوم فاتبعوا حدود الله التي فرضت فی البیان من لدن عزیز حکیم. قل انه لسلطان الرسل و کتابه لام الکتاب...» [۸۳]. ترجمه: «بگو ای امت من حدود و احکامی را که در بیان از طرف خدای عزیز و حکیم [۸۴] واجب شده است پیروی کنید. بگو برآستی «باب» پادشاه پیامبران و کتابش البته مادر کتابهاست!!» بنابراین تمام بهائیان موظفند - همانند رهبرشان بهاءالله - نسبت به کتاب بیان و آقای باب نهایت خلوص و ارادت را رعایت نمایند و در صورت تمایل به دستوراتش!! عمل فرمایند! [صفحه ۶۸]

سخن آخر

قرآن می‌فرماید: (ای رسول ما) بندگان ما را مژده ده، آنان که سخن را می‌شنوند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، ایشانند که خدا (به لطف ویژه خود) رهبریشان فرمود و هم آنان در حقیقت خردمندان جهانند! [۸۵]. آری چنین است، هر عاقلی بر خود واجب میدانند که درباره‌ی آراء و عقاید ملل جهان بحث و بررسی کامل به عمل آورده و راه حق را - که بیش از یکی نیست - برگزیند [صفحه ۶۹] و به جان و دل بپذیرد تا در برابر وجدان خود شرمنده و شرمسار نباشد. ما در این مقام از هموعان بهائی خود دوستانه تقاضا و انتظار داریم چنانچه حاضر نیستند سخن ما را بشنوند لااقل به تعلیم اول خودشان که به عبارت: «تحری حقیقت و ترک تقلید» گفته شده جامه‌ی عمل ببوشانند. تحری حقیقت یعنی طلبدن و خواستن آنچه حق و حقیقت است، چه بهتر که انسان قدری از تعصبات بی‌مورد چشم‌پوشد و در پی کشف حقیقت که موجب سعادت ابدی است بپا خیزد، خدا هم در قرآن مژده یاری داده می‌فرماید: «آنان که در راه (شناسائی) ما بکوشند البته ما راه (معرفت) خودمان را به آنان می‌نمایانیم.» سوره ۲۹ - آیه ۶۹ [صفحه ۷۰]

ای جوانان بهائی

ای کسانی که خود را پیرو تعلیم تحری حقیقت می‌دانید با نگاهی به گلستان جاوید [۸۶] و آمار در گذشتگان مجلات اخبار امری خویش، قدری بخود آئید، طوری به تحقیق پردازید که وجدانتان قانع شود و روحتان آرامش پذیرد و خاطرتان نگران فردای پس از مرگ نباشد. بهانه‌ی داشتن مبلغ، بار را سبک نمی‌کند و سلب مسئولیت نمی‌نماید!! بیائید خود را برای دادگاه انفرادی الهی آماده کنید آنجائی که پدر و مادر و مبلغ راه ندارند [صفحه ۷۱] آنجائی که انسان تنها در برابر محکمه‌ی الهی قرار می‌گیرد! آنجائی که پرده از روی اسرار دل و اعمال همه‌ی ما برداشته میشود! آنجائی که نه پول بدانجا راه دارد و نه پارتی! پروردگارا به تمام افرادی که به نام انسان در صفحه‌ی گیتی زیست می‌کنند، آن لیاقت و شایستگی عنایت فرمای که به حقایق درخشان و مقدسات جهان آفرینش بگروند و از تمام پلیدی‌ها که موجب محو شخصیت است، پرهیز کنند. به امید دیدار آن روز پر شکوه

پاورقی

- [۱] کتاب مجموعه الواح تالیف میرزا حسینعلی بهاءالله صفحه ۳۷۵.
- [۲] مجله‌ی خواندنیها شماره ۳۸ سال ۲۸ صفحه ۴۳.
- [۳] مجله‌ی خواندنیها شماره ۳۸ سال ۲۸ صفحه ۴۳.
- [۴] کتاب اولین دانشگاه و آخرین پیامبر جلد ۲ صفحه‌ی ۲۲۹.
- [۵] تالیف دکتر الکسیس کارل.
- [۶] کتابهایی که دنیا را تغییر دادند تالیف رابرت بی. داونز صفحه ۲۸۰.
- [۷] اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ج ۲ ص ۲۲۴.
- [۸] دادگستر جهان ص ۲۲۶ به نقل از: Our Wondrul world دائرةالمعارف بریتانیا ج ۱۴ ص ۳۷۶.
- [۹] دادگستر جهان ص ۲۲۶ به نقل از: دائرةالمعارف آمریکائی ج ۱۷ ص ۴۶۳.]
- [۱۰] اولین دانشگاه و آخرین پیامبر جلد ۲ صفحه ۲۲۱.
- [۱۱] همین کتاب به نقل از کیهان ۲۲ آذر ۴۳ شماره ۶۴۱۳۵.
- [۱۲] اولین دانشگاه و آخرین پیامبر جلد ۲ ص ۲۲۶.
- [۱۳] مجله خواندنیها شماره ۳۸ سال ۲۸ صفحه ۴۳.
- [۱۴] مجله خواندنیها شماره ۳۸ سال ۲۸ صفحه ۴۳.
- [۱۵] اولین دانشگاه و آخرین پیامبر جلد ۲ صفحه ۲۲۶ و ۲۲۷.
- [۱۶] خورشید مغرب به نقل از «پانزده گفتار» نگارش استاد مجتبی مینوی.
- [۱۷] اطلاعات شماره ۱۱۸۰۵ - ۲۰ / ۷ / ۴۴.
- [۱۸] گذرنامه برای یک زندگی نوین ص ۲۷.
- [۱۹] مجله‌ی الهلال شماره پنجم ص ۶۰۷ مارس ۱۹۳۰.
- [۲۰] اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صفحه ۲۲۹ به نقل از اطلاعات بانوان شماره ۳۱۱ صفحه ۲۲.
- [۲۱] اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ج ۲ صفحه ۲۳۰ به نقل از اطلاعات ۲۷ تیرماه ۴۴.
- [۲۲] کتاب دادگستر جهان صفحه ۲۱۵.
- [۲۳] اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ج ۲ صفحه ۲۳۱.
- [۲۴] همین کتاب صفحه ۲۳۲ با تصرف و تلخیص.
- [۲۵] مجله‌ی ستاره طوس شماره اول ۳۰ بهمن ۴۱.
- [۲۶] مجله‌ی اطلاعات هفتگی شماره ۱۱۵۷ - ۶ دیماه ۴۲.
- [۲۷] مجله‌ی آسیای جوان شماره مسلسل ۳۰۹.
- [۲۸] کیهان پنجشنبه ۲۲ فروردین ۴۲ شماره ۵۹۱۷.
- [۲۹] روزنامه‌ی اطلاعات ۱۷ / ۲ / ۴۷.
- [۳۰] کتاب نیایش تالیف دکتر الکسیس کارل فیزولژیست و زیست‌شناس بزرگ فرانسوی.
- [۳۱] کیهان ۲۱ آذر ۴۲ شماره ۶۱۱۹.
- [۳۲] روزنامه اطلاعات چهارشنبه ۱۲ دیماه ۴۱ شماره ۱۰۹۸۹.
- [۳۳] کیهان سه‌شنبه / ۲۰ مرداد ۴۳ شماره / ۳۳۱۰.

- [۳۴] روزنامه اطلاعات مورخه ۳۱ / ۲ / ۴۷.
- [۳۵] کیهان چهاردهم خرداد ماه ۴۲ شماره / ۵۹۵۸.
- [۳۶] پاسخ ما شماره ۶ به نقل از سالنامه‌ی شماره پنج اطلاعات برای مزید اطلاع به همان کتاب مراجعه فرمائید.
- [۳۷] معمرین یعنی افرادی که عمر طولانی داشته‌اند.
- [۳۸] المعمرین تالیف ابوحاتم سجستانی این کتاب قبل از تولد حضرت حجت (ع) تدوین یافته سرتاسر این کتاب شرح حال افرادی است که عمر طولانی داشته‌اند.
- [۳۹] بعضی از مفسران می‌نویسند؛ طعامش انگور و انجیر و نوشیدنی او شیر بود.
- [۴۰] سوره ۲ - آیه ۲۵۹.
- [۴۱] سوره ۱۸ آیه ۲۵ و ۲۶.
- [۴۲] میرزا حسینعلی بهاءالله هم در صفحه ۵ کتاب ایقان بدین مطلب اعتراف دارد.
- [۴۳] سوره ۲۹ آیه ۱۴۰.
- [۴۴] سوره‌ی صفات آیه ۱۴۳ و ۱۴۴.
- [۴۵] سوره‌ی نساء آیه ۱۵۷.
- [۴۶] سوره‌ی نساء آیه ۱۵۷.
- [۴۷] کتاب نظر اجمالی چاپ محفل بهائیان صفحه ۱۲.
- [۴۸] کتاب تاریخ نبیل زرنندی چاپ محفل بهائیان صفحه ۶۴.
- [۴۹] کتاب تاریخ نبیل زرنندی صفحه ۶۶.
- [۵۰] کتاب اسرار الآثار جلد ۱ صفحه ۳۵.
- [۵۱] کتاب مقاله سیاح تالیف عباس عبدالبهاء امام اول بهائیان صفحه ۳ و ۴.
- [۵۲] کتاب ظهورالحق جزء سوم پاورقی ۱۷۳ چاپ محفل بهائیان و بیان فارسی تالیف میرزا علیمحمد باب صفحه ۹ و ۳۱.
- [۵۳] مفروضات تالیف عباس عبدالبهاء امام اول بهائیان صفحه ۱۲۴ و بیان فارسی تالیف «باب» صفحه ۵۵.
- [۵۴] تاریخ صدرالصدور چاپ محفل بهائیان صفحه ۲۰۷ و لوح هیکل الدین تالیف «باب» صفحه ۵.
- [۵۵] کشف الغطاء تالیف ابوالفضل گلپایگانی چاپ محفل بهائیان صفحه ۲۰۴ و ۲۰۵.
- [۵۶] تفسیر سوره بقره تالیف «باب» ذیل آیه: و اذ انجیناکم من ال فرعون.
- [۵۷] صحیفه عدلیه صفحه ۲۷ تالیف «باب» .
- [۵۸] اصول کافی از کتب معتبر روایتی شیعه است که مرحوم محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹) آنرا تالیف کرده است.
- [۵۹] اصول کافی ترجمه کمره‌ای جلد ۲ صفحه ۶۰۸.
- [۶۰] کتاب دلائل سبعة تالیف «باب» صفحه ۴۷.
- [۶۱] کتاب ایقان (۱۹۹ صفحه‌ای) تالیف بهاءالله صفحه ۱۹۰.
- [۶۲] کتاب قرن بدیع تالیف شوقی جلد ۲ صفحه ۵۳.
- [۶۳] ایقان ۱۹۹ صفحه‌ای صفحه ۱۹۰.
- [۶۴] کتاب ایقان تالیف میرزا حسینعلی صفحه ۱۹۶.
- [۶۵] کتاب بیان فارسی بخش مبهمات و اصطلاحات ص ۲ تالیف «باب» .

[۶۶] شیخ احمد احسائی مؤسس و رهبر فرقه‌ی شیخیه است.

[۶۷] کتاب لوح ابن الذئب (یعنی گرگ‌زاده) که به نام لوح مبارک خطاب به آقا نجفی مجتهد اصفهانی بدستور محفل بهائیان چاپ و نشر شده صفحه ۸۸.

[۶۸] همین «باب» که اسلام را نسخ می‌کند در صفحه ۵ کتاب صحیفه‌ی عدلیه‌اش می‌گوید: حلال محمد (ص) حلال است تا روز قیامت و حرام محمد (ص) حرام است تا روز قیامت.

[۶۹] اقتدارات تألیف میرزا حسینعلی بهاءالله صفحه ۴۷.

[۷۰] کتاب بیان فارسی تألیف باب صفحه ۱۷۴.

[۷۱] کتاب بیان فارسی تألیف باب صفحه ۱۷۴.

[۷۲] همین کتاب صفحه ۱۹۸.

[۷۳] کتاب بیان فارسی تألیف «باب» صفحه ۱۳۰.

[۷۴] کتاب بیان عربی به قلم «باب» صفحه ۴۶.

[۷۵] کتاب بیان فارسی به قلم «باب» صفحه ۲۹۸.

[۷۶] کتاب بیان عربی به قلم «باب» صفحه ۴۹.

[۷۷] کتاب بیان فارسی به قلم «باب» صفحه ۱۵۷.

[۷۸] لوح هیکل الدین به قلم «باب» صفحه ۱۵.

[۷۹] کتاب بیان عربی صفحه ۲۵ و ۲۶ به قلم «باب».

[۸۰] کتاب بیان عربی صفحه ۲۵ و ۲۶ بقلم «باب».

[۸۱] کتاب بیان عربی بقلم «باب» صفحه ۵۵.

[۸۲] کتاب اقتدارات تألیف میرزا حسینعلی بهاءالله صفحه ۴۵.

[۸۳] کتاب صلوة و صیام صفحه ۶۱ و ۶۲ تألیف اشراق خاوری مبلغ بهائیت.

[۸۴] مرادش «باب» است.

[۸۵] سوره زمر - ۱۷.

[۸۶] بهائیان گورستان خود را به نام «گلستان جاوید» می‌نامند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه

الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبای: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

